



سخنرانی دکتر طالب در کنفرانس نقش آموزش و ترویج در توسعه روستایی

جنبه‌های جامعه‌شناختی از ترویج

اشیاره:

مطلبی که ذیلاً از نظرتان می‌گذرد، متن سخنرانی دکتر طالب از استادان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در

کنفرانس «نقش آموزش و ترویج در توسعه روستایی» می‌باشد که طی روزهای ۱۱-۹ اسفندماه سال گذشته در مشهد برگزار گردید. دکتر طالب در این کنفرانس پیرامون موانع

نظری و عملی ترویج و ضعف رابطه ارگانیک میان آنها، مشکلات محتوای آموزشهای ترویجی، مشکلات تکنولوژی آموزشی و روشهای ترویجی و... مطالبی عنوان کرد.

موضوعی را که برای بحث امروز مشخص کردم، عنوانش «جنبه‌های جامعه‌شناختی از ترویج» است که به سه سؤال اساسی در این مقاله به آن می‌پردازیم. قبلاً توضیح مختصری به عرض میرسانم:

بعضی از رشته‌ها علمی اند و قلمرو و موضوع مشخصی دارند و بعضاً دارای متدولوژی خاص خود نیز می‌باشند ولی برخی از رشته‌ها جنبه کاربردی دارند و حالت علمی و قلمرو و موضوع مشخصی ندارند. ترویج، خدمات اجتماعی، تعاون و... از این گونه‌اند. بنابراین غرض از عنوان این مسئله که «ترویج چیست؟»، طرح نگرش و دیدگاهی دیگر در رابطه با این مبحث است. در رابطه با ترویج در ابتدای کار زمینه‌های محدودی برای فعالیت وجود داشت. ولی پس از رفع بعضی از نیازهای خیلی ملموس و پرشدن پاره‌ای از شکافهای بسیار عمیق، توانایی لازم برای ایجاد

زمینه‌ها و امکانات بعدی فراهم نیامد. در قسمت بعدی مقاله تاریخچه ترویج کشاورزی را پس از سال ۱۳۴۰ در آستانه انقلاب و بعد از آن مرور بررسی می‌کنیم. علیرغم اینکه تاریخچه ترویج از ۱۳۴۰ به بعد تا حدودی مشخص است، ولی عواملی نظیر دخالت مروجین در اصلاحات ارضی و طرحها و پروژه‌های مختلف آنها را از وظایف اصلی خود بتدریج دور کرد که به این تنگناها و مشکلات و موانع مشخص می‌پردازیم. این مسائل و موانع نتیجه جمع‌بندی تمام تحقیقات معتبر بین‌المللی است که بوسیله دست اندرکاران ترویج بین‌المللی در رابطه با سیستم ترویج متعارف در کشورهای جهان سوم و در نظر گرفتن این مسئله که ترویج کشاورزی در ایران - به دلایلی در گذشته - جزو ناموفق‌ترین ترویجها در سطح جهانی بوده، به عمل آمده است. این مسائل و مشکلات و تنگناها نتیجه تحقیقات افرادی است

که خود در زمره سیاست‌گذاران بین‌المللی و غربی اند مانند بانک جهانی، بنیاد فورد و...

* جنبه‌های عملی موانع

موانع و تنگناهای مزبور در درجه اول به موانع برون‌سازمانی و درون‌سازمانی تقسیم می‌شوند. به نظر من بیشتر موانعی که ترویج متعارف در تمام کشورها و مشخصاً در ایران با آن روبروست موانعی است که از عوامل و فاکتورهای برون‌سازمانی نشأت گرفته است. یعنی ریشه در انحرافات و نارساییهای مدل‌های توسعه روستایی متعارف دارد.

پس اولین مانع، موانع و مشکلات ناشی از سیاستهای توسعه روستایی متعارف می‌باشد. توسعه روستایی در رابطه با تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی - اقتصادی روستایی، سیاستهایی داشته و ترویج به عنوان یکی از اجزاء و عناصر کل این

فرآیند و مدل بوده است. این مدل توسعه روستایی یک سری موانع و مشکلات و تنگناهای اساسی دارد که در اکثر سازمانها و وزارتخانه های جهان سوم و نیز در کشورما، قابل لمس می باشد. در سالهای اخیر در رابطه با این مقوله ها و مفاهیم از طرف جهاد سازندگی بررسیهایی شده است. موانع مذکور عبارتند از: بوروکراسی افراطی - که حاکم بر کل تشکیلات وزارت کشاورزی بخصوص تشکیلات ترویج کشاورزی است - و بوروکراسی اداری موجود با نیازهای زندگی روستایی سازگاری ندارد. بوروکراسی افراطی، تمرکز نامعقول نشأت گرفته از کل توسعه روستایی و توزیع ناعادلانه منابع حاصله از فعالیت های توسعه روستایی از جمله مسائل و مشکلات عدیده ای است که توسعه روستایی در گذشته داشته است. اگر در بعضی از جنبه های اقتصادی احياناً رشدی حاصل می شده است، توأم با تنگناها و نارساییهایی در دیگر ابعاد و جنبه های زندگی اجتماعی، از جمله همانگونه که آمد توزیع نادرست ثروتها و عمیق تر شدن شکاف موجود بین اقشار مختلف روستایی بوده است. توجه به رشد کشاورزی و نادیده گرفتن توسعه روستایی، معیارها و شاخصهای یک بعدی در رابطه با اهداف توسعه کشاورزی، تحت الشعاع قرار گرفتن توسعه و آموزش در اهداف افزایش تولید از سایر موانع است. مسئله آموزش یکی از مسائلی است که فعالیتهای زیادی صرف آن می شود با این همه، به راحتی نمی توان آن را ارزیابی کرد و نتایج حاصل را ارائه داد. بطور کلی تفسیراتی را که در دانش و مهارت افراد حاصل می شود، در بسیاری از موارد نمی توان با اعداد و ارقام و با سرعت لازم به مقامات بالاتر ارائه داد. یکی از علل اهمیت آموزش و بها دادن به آن در راستای پرداختن به فعالیتهای کشاورزی، افزایش تولیدات کشاورزی و بازدهی اقتصادی می باشد. اینها موانع و مشکلاتی هستند که در کل سیستم کشاورزی ترویج اثری شدید بجای گذاشته است. بنابراین یک سری موانع عمده در سیستم ترویج در تمام کشورهای شبیه ایران که دارای تشکیلاتی مشابه هستند وجود دارد که نشأت گرفته از کل مدل توسعه روستایی رژیم گذشته می باشد. درک نوع و ماهیت این مشکلات، در گرو شناخت سیاستهای کلی کشاورزی و توسعه روستایی رژیم گذشته

می باشد.

* جنبه های نظری موانع

جنبه دیگر موانع به جنبه های نظری و سیاست گذاری در ترویج مربوط می شود. این مسایل بیشتر ذهنی هستند. مشکلات نظری و تئوریک که در رابطه با ترویج فرا روی ما قرار دارد ناشی از تقلید ناشیانه از الگوی ترویج و پیاده کردن آن در ایران بدون در نظر گرفتن شرایط عینی و نیازهای زندگی روستایی و بعضاً نادیده گرفتن نقش موثر و خلاق کارشناسان داخلی ادارات ترویج کشاورزی می باشد. همانطور که قبلاً اشاره شده، بسیاری از مسائلی که در راستای ابتکار و نوجویی و نوآوری و کلاً امر اتکای به خود، در رابطه با یک سازمان آموزشی باید وجود داشته باشد، در ترویج ایران وجود نداشت و این همان به اصطلاح خشت کجی بود که در ابتدای تاسیس سازمان ترویج کشاورزی نهاده شد. مسئله دوم ضعف دانش و درک کلی از فرآیند و ابعاد توسعه روستایی و تصور ناقص از نقش و جایگاه ترویج در آن برداشتها و بینشهای یک بعدی در رابطه با آموزش روستایی بود. این ایرادی است که در حال حاضر کلیه متخصصین در سطح بین المللی به ترویج می گیرند. یعنی اینکه بطور کلی ترویج و مروجان به درستی جایگاه آموزش را در توسعه روستایی به صورت همه جانبه نمی بینند و فقط از زاویه اهداف و مسئولیتهای محدود خویش که در رابطه با قسمت محدودی از مسایل روستایی است، به ترویج نگاه می کنند. عامل سوم تمسک جستن و دلبستگی افراطی به مفاهیم و اصول تئوریهای رنگ باخته و قدیمی ترویج که در سالهای ۱۹۵۰ به وسیله عده ای از مفسرین و دست اندرکاران بین المللی تدوین شده است می باشد. تئوریهایی که امروزه حتی به وسیله بانیان خود مورد تجدید نظر قرار گرفته است. در کشورهای جهان سوم یک سری تئوریهایی برای ترویج ارائه شد که در رابطه با رشته های مختلفی چون جامعه شناسی روستایی و ارتباطات و آموزش بزرگسالان و... بود. در سالهای اخیر در ایران همکاران دانشگاهی در جهت روشن تر کردن مفاهیم ترویج فعالیت های زیادی نمودند ولی هنوز یک سری گرایشات جدید در سطح جهانی و در رابطه با مقوله ترویج وجود دارد که ما نسبت به

آنها عقب هستیم. چهارم تردید، تاخیر، ناشیگری در تعمیم نتایج و پیامدها و دستاوردهای حاصله در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی در ترویج کشاورزی و تجربیات عملی مفیدی که بیشتر در رابطه با مقولات مشارکت و غیره حاصل شده است، می باشد که می تواند در فعالیت های نظری و عملی ترویج بیشتر منعکس گردد. همانطور که گفته شد ترویج رشته ای است که از ابعاد و نیز مسایل مختلف متأثر می شود. به جای مفاهیمی چون، ارتباطات، آموزش بزرگسالان و... که در تئوریهای گذشته مطرح بوده است در حال حاضر در رابطه با ترویج بیشتر به مسئله بسیج و مشارکت و بکارگیری این مفاهیم به صورت عملی توجه می شود. ما در دیگر ابعاد اجتماعی و سیاسی و نظامی جامعه خودمان تجربیات گرانبهایی داریم که می توانیم اینها را به صورت کاربردی به ترویج ربط دهیم و این مسایل در تئوری و عمل ترویج منعکس شود.

پنجم عدم آگاهی کافی و وسیع نبودن امکانات جهت آشنا نمودن دست اندرکاران ترویج با گرایشات نوین و تجدید نظرهای بین المللی که جهت آنها در بیشتر موارد مخالف با گرایشات ترویج متعارف و هم سو با دیدگاههای برخاسته از متن انقلاب در رابطه با مسایل توسعه و آموزش روستایی می باشد. در خلال سال های ۱۹۸۰ که متضمن تجدید نظر در مفهوم توسعه در سطح جهانی محسوب می شود، یک سری کارهای مفید در رابطه با ترویج و توسعه انجام گرفته و تجربیات بسیار جالبی - البته بیشتر در قالب طرحها و پروژه های منطقه ای - در کشورهای جهان حاصل شده است. ولی متأسفانه به خاطر شرایط اجتماعی خاص کشور، دست اندرکاران ترویج امکان آشنایی، با این تجارب را نداشته اند. شاید تنها جهاد سازندگی به صورت خیلی طبیعی در این مسیر و در رابطه با این گرایشات نوین بخصوص امور مشارکت و بسیج قدم برداشته است.

* ضعف رابطه ارگانیک میان جنبه های نظری و عملی

سرفصل عمده دیگر موانع و تنگناهای مربوط به ضعیف و غیر موثر بودن فعل و انفعالات لازم میان سیستم دانش کشاورزی و دیگر اجزاء و عناصر فرآیند توسعه روستایی با ترویج است.

ترویج و آموزش به تنهایی نمی‌توانند نقش مؤثری در توسعه داشته باشند. به طور مشخص ترویج بیش از آموزش با یک سری از عوامل باید در ارتباط باشد که این عوامل به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند. عوامل غیر آموزشی که در توسعه روستایی مؤثرند مثل نهاده‌های کشاورزی و ادارات و ارگان‌هایی که در رابطه با تامین این نهاده‌ها قرار دارند و نیز بانک‌ها، تعاونی‌ها و سازمانها و ادارات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در سطح روستا، که در رابطه با این فعالیت‌ها می‌باشند. ترویج باید با این عوامل و فاکتورها و تامین‌کننده این نهاده‌ها ارتباط متقابل (شامل همکاری، هماهنگی، همسویی و تلفیق) برقرار کند. عدم وجود فعل و انفعالات متقابل لازم (هماهنگی، ارتباط، همکاری و تلفیق) بین ترویج و دیگر اجزای تشکیل دهنده نظام دانش کشاورزی به صورت موانع مهمی در آمده است. نظام دانش کشاورزی از یک سری عواملی تشکیل شده که تحت عنوان ترویج و آموزش و تحقیق از آن نام برده می‌شود. ترویج باید با عوامل تحقیقاتی و آموزشی رابطه مستقیم و متقابل داشته باشد که در گذشته نداشته است و این بیشتر به دلیل همان الگوی توسعه روستایی متعارف در ایران که بارها به وسیله خود مروجین و همکاران دانشگاهی به آن اشاره شده، می‌باشد. این عدم فعل و انفعالات متقابل و مشخص، بین مراکز تحقیقاتی مختلف نیز وجود دارد. نه فقط سازمان تحقیقات کشاورزی بلکه تمام سازمان‌های تحقیقاتی که به نحوی از انحاء در رابطه با مسایل روستایی - چه جنبه‌های تکنیکی و چه اجتماعی - تحقیق می‌کنند با ترویج رابطه زیادی ندارند. عدم وجود فعل و انفعالات متقابل کافی و مؤثر بین ترویج و دانشکده‌ها و آموزشکده‌های کشاورزی به همان اندازه که در امر ایجاد رابطه، برای ترویج مشکلاتی پدید می‌آورد، برای دانشکده‌ها و آموزشکده‌های کشاورزی هم در یک فرآیند دیگر و با توجه به نواقصی که به صورت ریشه‌ای دارند مشکل آفرین بوده و اینها نیز نمی‌توانند آنطور که باید و شاید با ستادهای اجرایی در روستاها و با ترویج رابطه‌ای مؤثر برقرار کنند. همچنین عدم وجود هماهنگی و همکاری همه جانبه میان ترویج و سازمان کشاورزی و مراکز آموزش کشاورزی تحت پوشش آن و نیز عدم وجود هماهنگی و همکاری

مورد نظر بین ترویج و کمیته کشاورزی جهادسازندگی وجود دارد. این مسئله را شاید برای اولین بار بنده مطرح کردم که محسوس تر از همه نیز هست. از جمله کارهای مربوط به آموزش و توسعه روستایی و مسایلی که در رابطه با تنگناهای آموزش در کشورهای جهان سوم در طی سه چهار دهه اخیر به آن اشاره شده یکی همین مسئله عدم هماهنگی و عدم اقدام بوده است. ارتباط متقابل می‌تواند همه جانبه‌تر از وضع فعلی باشد. تشکیلات و سازماندهی، مدیریت و برنامه‌ریزی تحت نفوذ سیاست‌هایی است که ریشه در مدل توسعه روستایی متعارف دارند. مثل بوروکراسی افراطی و تمرکز نامعقول که باعث بروز تنگناهایی در تشکیلات ترویج کشاورزی در تمام کشورهای دنیا شده است. تنگناهایی از قبیل:

۱- نامشخص بودن جایگاه ترویج در رابطه با تشکیلات دوگانه وزارت کشاورزی، چرا که ترویج در رابطه با تشکیلات قدیمی وزارت کشاورزی و تشکیلات جدید مربوط به مراکز خدمات روستایی، متحمل صدمات سازمانی شده بود و جایگاه واقعی آن مشخص نبود.

۲- ساختار و بافت سازمانی مکانیکی، فرآیند بالا به پایین در درون سازمان و ساختار تشکیلات مدیریت و برنامه‌ریزی متمرکز نشأت گرفته از خود این سیاست‌ها و انحراف اهداف آموزشی و درگیری در کارهای اجرایی و غیر آموزشی می‌باشد که مروجین خود به آن اشاره می‌کنند و از این مسئله شکایت دارند.

۳- برنامه‌ریزی ترویجی نامناسب و عمل نکردن به بسیاری از برنامه‌هایی که به روی کاغذ می‌آید.

۴- عدم مدیریت صحیح و وضوح لازم در اولویتها، اهداف و امور و فعالیت‌های جاری و روزمره

۵- عدم وجود برنامه‌های منسجم آموزشی در سطح استان

۶- عدم وجود تعادل کافی بین برنامه‌ریزیهای ترویجی در سطوح مختلف

اینها بخشی از مسایلی است که در رابطه با موانع تشکیلاتی و سازمانی امکان وقوع آن برای همه سازمانها و ارگان‌های مربوط به مسایل آموزشی در روستا وجود دارد. بطور کلی در رابطه با مسئله مدیریت و تمرکز، ماهیت ترویج با مسئله

● تقلید ناشیانه از الگوی ترویج و پیاده کردن آن در ایران بدون در نظر گرفتن شرایط عینی و نیازهای زندگی روستایی، ضعف دانش و درک کلی از فرآیند و ابعاد توسعه روستایی و تصور ناقص از نقش و جایگاه ترویج در آن، تمسک جستن و دلبستگی افراطی به مفاهیم و اصول تئوریهای رنگ باخته و قدیمی، تأخیر و تردید و ناشیگری در تعمیم نتایج و پیامدها و دستاوردهای حاصله در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی در ترویج کشاورزی و عدم آگاهی کافی و وسیع نبودن امکانات جهت آشنا نمودن دست اندرکاران ترویج با گرایش‌های نوین و... از جمله مشکلات نظری و تئوریک در رابطه با ترویج کشاورزی در ایران است.

بوروکراسی، متمرکز و فرآیند بالا به پایین تصمیم‌گیری ناسازگار می‌باشد. با توجه به شرایط خاص کشور ما از نظر تقسیمات کشوری و تنوعی که در نقاط مختلف وجود دارد، نیاز به تصمیم‌گیری در همه سطوح (منطقه، شهرستان، بخش و روستا) احساس می‌شود. این قدرت تصمیم‌گیری باید با قدرت اجرای برنامه، قدرت تخصیص بودجه همراه باشد. و این امر با سیستم تشکیلاتی متمرکز ناسازگاری دارد. ماهیت کار ترویج به گونه‌ای است که به انعطاف‌پذیری تشکیلات و عدم تمرکز نیازمند است. در رابطه با پرسنل ترویج در کشورهای جهان سوم به خاطر کارکرد تشکیلات ترویج در نقاط مختلف جهان در طی سه چهاردهه، مروجین پرستیز و منزلتی کسب کرده‌اند که بیشتر در رابطه با انگیزه‌های مادی می‌باشد. ماهیت کار در روستا به نحوی است که افراد جذب شده به سازمان ترویج و سازمان‌های مشابه علاقه‌مندی زیادی به روستا و مسایل روستایی ندارند و خواسته و شخصیت و نیز مهارت و دانش آنها سنخیت زیادی با مسایل روستایی ندارد. در بیشتر موارد مروجین کسانی هستند که برخاسته از شهر و با پایگاه فکری شهری

هستند و نسبت به ویژگیها و مسایل کشاورزی سنتی و انگیزه‌های موجود، ناآشنا می‌باشند. این مروجین در اولین فرصتی که پیش می‌آید از سطح روستا - یعنی صحنه‌ای که باید نیروهای کارآمد عمدتاً در آنجا متمرکز شوند - بعد از یکی دو سال تجربه اندوختنی روستا شهرها می‌شوند این نارسایی تشکیلات ترویج است که افراد را به صورت تازه کار به روستا اعزام می‌کند و این افراد پس از مدتی در حالیکه تازه با قضایا و مسایل روستا آشنا شده‌اند روستا شهرها می‌شوند ماهیت کار ترویج ایجاب می‌کند افرادی که به عنوان مروج و جهادگر و کسانی که با وظیفه آموزشی روستا می‌شوند می‌بایست دارای علایق و انگیزه‌هایی مناسب این مسئولیت باشند و آنگاه روستا روستا شوند. چون محیط روستا نیز به اینگونه افراد نیازمند است و آنها را می‌طلبد. جنبه‌های خوش زندگی در روستا به چشم می‌خورد ولی مسایل مادی، دفع کننده مروجین است. بنابراین تنها افرادی که عشق و علاقه دارند باید به روستا بروند و در قدم اول به این موانع مادی و فیزیکی موجود در روستا غلبه کنند. علاوه بر این افرادی که می‌خواهند معلم روستا باشند می‌بایست اولاً در رابطه با مسایل فنی و تکنیکی کشاورزی دارای دانش و مهارت و بینش کافی باشند که متاسفانه اینطور نیست چون مروجین بعد از طی یک دوره شش ماهه به روستا اعزام می‌شوند و مشخص است که در این شش ماه نمی‌توانند دانش کشاورزی را آن طور که باید و شاید بیاموزند. ثانیاً باید افرادی باشند که با ایمان و عشق و علاقه به روستا بروند.

دانشکده‌های کشاورزی و تمام نهادها و جریاناتی که افرادی را برای کار در روستاها تربیت می‌کنند، به دلیل تنگناهایی که خارج از این بحث می‌باشد، نمی‌توانند افرادی آشنا به شرایط خاص کشاورزی سنتی ایران و زندگی تولیدی اجتماعی روستاییان تربیت کنند و این نقیصه‌ای است که فعلاً در ایران وجود دارد. در حال حاضر ما نیاز به موسسات و ارگانهای داریم که بتواند افرادی با دانش، هدفمند و با انگیزه برای کار در قسمت آموزشی روستا تربیت کند.

مسایل و مشکلات و تنگناهای مربوط به محتوای آموزش‌های ترویجی عبارتند از:

۱- عدم وجود موضوعات و مطالب آموزشی

کافی با شرایط ویژه تولیدی اکثریت کشاورزان.

۲- عدم مطابقت و تناسب کافی موضوعات آموزشی با نظام کشاورزی سنتی و تکنولوژی کشاورزی در سطح موجود.

۳- عدم مطابقت و تناسب کافی بین محتوای آموزشی ترویج با واقعیتها و شرایط خاص سیستم زراعی زمین داری، تولیدی، تقویم زراعی و غیره و توصیه‌های ترویجی اغلب بی‌موقع و نامطلوب.

۴- عدم وجود موضوعاتی در رابطه با تکنولوژی متناسب و سودآور که برای اکثر زارعین انگیزه‌های جدید ایجاد نماید.

۵- عدم وجود تطابق و همخوانی لازم میان انتظارات و نیازهای زارعین و محتوای ترویج که البته تحقیقات لازم می‌بایست در دانشکده‌های کشاورزی انجام گیرد.

و اما مسایل و مشکلات مربوط به تکنولوژی آموزشی و روشهای ترویجی:

۱- عدم مطابقت و همخوانی لازم بین تکنولوژی آموزشی و روشهای ترویجی با روشها و ارزش‌های سنتی اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی.

۲- عدم شناخت کافی و استفاده به موقع و همه جانبه از سنت‌ها و عادات آموزشی روستائینان و عدم توجه به ارتباطات توده‌ای روستایی.

منظور از ارتباطات توده‌ای شیوه یادگیری روستاییان قبل از اجرای برنامه‌های توسعه روستایی است. این زمینه مناسبی است که در سال‌های اخیر در کشورهای دیگر نیز روی آن کار می‌کنند و عنوان ارتباطات توده‌ای به آن می‌دهند.

۳- تسلط و تداوم شیوه‌ها و روش‌های آموزشی ناصحیح که ریشه در آموزش‌های استعماری دارد، مانند بکارگیری اصول آموزش رسمی در ترویج، عدم توجه به روش‌ها، عدم تبادل افکار دوجانبه، کم بها دادن به روش آموزش با عمل و انتقال یک سویه دانش و اطلاعات.

۴- عدم توجه به ترکیب و تلفیق روشهای مختلف آموزشی، عدم هماهنگی کافی بین مسایل ارتباط جمعی و روشهای مشخص ترویجی.

۵- توجه ناچیز به روشهای نمایی و ایجاد مزارع نمایی، عدم برخورداری از مزارع محدود

● ماهیت کار ترویج ایجاب می‌کند افرادی که بعنوان مروج و جهادگر و کسانی که با وظیفه آموزشی روانه روستا می‌شوند، می‌بایست دارای علایق و انگیزه‌هایی مناسب این مسئولیت باشند و آنگاه روستا روستا شوند. چون محیط روستا به اینگونه افراد نیازمند است و آنها را می‌طلبد.

● در گذشته به علت عدم مطابقت اهداف، سیاست‌ها، روشها و برنامه‌های آموزشی با فرهنگ روستایی، آموزش زنان نیز مورد توجه لازم قرار نگرفته بود. در حالیکه آموزش زنان در ایران در رابطه با مسایل تولیدی و اجتماعی به همان اندازه آموزش مردان مهم می‌باشد.

● بسیاری از مسایلی که در راستای ابتکار و نوجویی و نوآوری و کلاً امر اتکای به خود، در رابطه با یک سازمان آموزشی باید وجود داشته باشد، در ترویج ایران وجود نداشت و این همان به اصطلاح خشت کجی بود که در ابتدای تأسیس سازمان ترویج کشاورزی نهاده شده.

نمایشی با کیفیت مطلوب و گاه مزارعی با کیفیتی پایین‌تر از مزارع زارعین همجوار، مشارکت ناچیز زارعین در مراحل مختلف کاشت و برداشت مزارع نمایی.

تا کید و توجه همه جانبه به وسایل سمعی و بصری کمیاب و محدود، در آموزش مروجین و روستاییان و گرایش به سخنرانی‌های آموزشی در جلسات ترویجی و... در زمره مسایلی است که برای ترویج متعارف سطح جهان بر می‌شمرند. مسئله آخر مربوط به مسایل و مشکلات و تنگناهای مربوط به فراگیران یا ارباب رجوع ترویج است. بدین معنی که ترویج چه کسانی را باید تحت پوشش برنامه‌های آموزشی خویش داشته باشد؟ یکی از عمده‌ترین ایزاداتی که به ترویج

متعارف گرفتند، این بود که یک سری از اقشار روستایی که نیاز به آموزش دارند، به علت ماهیت خاص برنامه های ترویجی خارج از حوزه فعالیت های آموزشی ترویجی بودند که این بیشتر به دلایل زیر بوده است:

۱- تمرکز بیش از حد فعالیت های ترویجی در جهت منافع کشاورزان مرفه یا به اصطلاح پیشرو و عدم توجه یا غفلت کامل از نیازهای آموزشی کشاورزان خرده پا به علت بکارگیری تئوریهای تبعیض گرایانه ای چون نظریه «رخنه به پایین» یا «رهبران محلی» و غیره.

۲- برخی از ایراداتی که در متن تئوریهای ترویج بود مثل تئوریهای رخنه به پایین، عملاً ثمرات فعالیت های ترویجی را نصیب اغنیای روستایی کرده است.

۳- عدم توجه یا توجه ناچیز به نیازهای آموزشی زنان روستایی در جنبه های مختلف تولیدی و اجتماعی و اقتصادی، کافی نبود برنامه های ترویج خانه داری و... در گذشته به علت عدم مطابقت اهداف، سیاست ها، روش ها و برنامه های آنها با ارزش ها و اعتقادات و بطور کلی با فرهنگ روستایی آموزش زنان نیز مورد توجه لازم قرار نگرفته بود. درحالیکه آموزش زنان در ایران در رابطه با مسایل تولیدی و اجتماعی به همان اندازه آموزش مردان مهم می باشد. نقیصه اساسی در آموزش های گذشته کنار گذاشتن زنان از برنامه های آموزشی بوده و متأسفانه امروزه هم در رابطه با مسایل تولیدی و کارهای جنبی برنامه مشخص و منسجمی برای آموزش زنان نداریم.

۴- عدم توجه یا توجه ناچیز به نیازهای آموزشی غیررسمی جوانان روستایی در رابطه با کارهای کشاورزی و نیازهای مهارتی در جهت اشتغال موثر در منطقه روستایی.

۵- عدم کارایی و پیاده نشدن برنامه های تقلیدی مانند باشگاه های چهارباغ و باشگاه های جوانان روستایی در گذشته.

۶- غفلت جدی در برآوردن نیازهای آموزشی و فعالیت بسیار ناچیز در رابطه با جامعه عشایری. با توجه به اهمیتی که جامعه عشایری از نظر کمی و کیفی دارد، یک نوع نظام ترویجی خاص خود را می طلبد که تا به حال فعالیت های موثری در این باب صورت نگرفته است.

۷- عدم وجود هرگونه معیار و روشها و

• تمرکز بیش از حد فعالیت های ترویجی در جهت منافع کشاورزان مرفه یا به اصطلاح پیشرو و عدم توجه یا غفلت کامل از نیازهای آموزشی کشاورزان خرده پا به علت بکارگیری تئوریهای رخنه به پائین، از جمله ایراداتی است که به ترویج متعارف گرفته اند.

• بیشتر موانعی که ترویج متعارف در تمام کشورها و مشخصاً در ایران با آن روبروست، موانعی است که از عوامل و فاکتورهای برون سازمانی نشأت گرفته است. یعنی ریشه در انحرافات و نارساییهای مدل های توسعه روستایی متعارف دارد.

• عدم وجود فعل و انفعالات متقابل کافی و مؤثر بین ترویج و دانشکده ها و آموزشکده های کشاورزی به همان اندازه که در امر ایجاد رابطه، برای ترویج مشکلاتی پدید می آورد، برای دانشکده ها و آموزشکده های کشاورزی هم در یک فرآیند دیگر و با توجه به نقایصی که بصورت ریشه ای دارند، مشکل آفرین بوده است و اینها نیز نمی توانند آنطور که باید و شاید با ستادهای اجرایی در روستاها و با ترویج رابطه ای مؤثر برقرار کنند.

تخصص های کافی و مفید جهت بررسی و شناخت نیازهای آموزشی مناطق مختلف و زیرگروه های مختلف کشاورزان در مناطق روستایی. گروه های مختلف کشاورزان نیازهای مختلفی دارند که باید با تخصص و مهارت کافی این نیازها بررسی و شناخته شوند که البته تا به حال انجام نشده است.

۷- عدم وجود یک پایگاه محلی واقعی از روستاییان برای ترویج و انتخاب رهبران یا خبرگان مناسب.

۸- عدم مشارکت فعال یا مشارکت ناچیز توده

کشاورزان در برنامه های ترویجی به علت عدم اعتماد و علاقه متقابل، و نامربوط و غیرمفید بودن برنامه های آموزشی محدود.

۹- عدم وجود همدلی واقعی بین کشاورز و مروج

۱۰- عدم وجود ارتباط و هماهنگی و همکاری و تشریک مساعی کافی بین ترویج و سازمان ها و تشکیلات محلی روستایی نظیر شوراهای روستایی، غفلت کامل از برآوردن نیازهای آموزشی قشر وسیعی از روستاییان بنام خوش نشینان. اینها رئوس مسایلی بود که در رابطه با ترویج در گذشته در بیشتر کشورها وجود داشته و البته این مسایل صرفاً ناشی از سازمان ترویج نیست بلکه نه سیاست های کلی توسعه مربوط می شود. در آینده نیز هر ارگانی که بخواهد در رابطه با ترویج فعالیت کند، بسیاری از این موانع و تنگناها بر اثر عدم پیش بینی کافی به صورت سدی در سر راهش وجود خواهد داشت.

این اشاره مختصری در مورد موانع بود. تا سال ۶۰ سازمان ترویج به آن صورت فعالیتی نداشت و بطور کلی در آن شرایط خاص به دلیل عملکرد ناموفقش زیر سؤال بود. البته خیلی از بخش های وزارت کشاورزی نیز ناموفق بودند، اما این مسئله در ترویج به دلیل ناملموس بودن مسئله آموزشی بیشتر مشخص بود و در نتیجه از طرف خود بخش های کشاورزی موجودیت آن زیر سؤال بود. با انحلال سپاهیان ترویج که بعد از مدتی به پرسنل ترویج تبدیل شده بودند و عدم استخدام نیروی جدید، وزارت کشاورزی ضعیف شده بود. با انحلال این سازمان، ترویج عملاً به صورت فیزیکی در روستا موجودیت خود را از دست داد و تا دو سه سال فعالیت چندانی نداشت. ولی پس از مدتی مجدداً با مشخص شدن و احساس ضرورت و اهمیت ترویج در مسئله توسعه روستایی ترویج از اهمیت بیشتری برخوردار شد و از طرف جریانهای مختلف و مخصوصاً از طرف همکاران دانشگاهی در رابطه با شناساندن اهمیت ترویج فعالیت های انجام گرفت. سازمان ترویج هم با شناختی که از پاره ای نارساییها و تنگناها در رابطه با جدایی تحقیق و آموزش و کارهای اجرایی داشت اقداماتی انجام داد که اهم آنها این بود که ترویج بتواند در رابطه با تشکیلات جدید وزارت کشاورزی، همان مراکز خدمات در شاخه هدایتی

مشکلاتی که امروز فراروی انقلاب قرار دارد، ریشه در توسعه نیافتگی دارد. بنابراین لازم است قبل از هر چیز به طرح استراتژی توسعه‌ای جامع و انقلابی، در جهت امحای وابستگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... همت گمارده شود و از ادامه روند فعلی که بر پایه ادامه کجدار و مریز سیاستهای اقتصادی رژیم گذشته می‌باشد، خودداری شود. به علاوه باید توجه داشت که از عمده کردن مسایل فرعی جلوگیری شود، تا مجلس امکان یابد به تعقیب مشکلات و مسایل اساسی و حیاتی تری پردازد.

اصلاح سیاست خارجی در رابطه با ابعاد اقتصادی، نقش خطیری در غلبه بر نابسامانیها دارد، و بر مجلس است که در این باب وظیفه خود را بنحوا حسن انجام دهد. در شرایطی که بخش

عمده مبادلات تجاری ما بر پایه رابطه نابرابر مبادله، با کشورهای سرمایه‌داری اروپای غربی، ژاپن و... صورت می‌گیرد، چندان مهم نیست که این تجارت دردست بخش خصوصی باشد یا در دست دولت. چه در حالت اول ما شاهد «وابستگی همراه با نابرابری» خواهیم بود و در حالت دوم «وابستگی» خواهیم داشت. بنابراین تأکید بر اصلاح ماهیت روابط در اینگونه موارد از وظایف مهم مجلس است.

توجه بیشتر به امر مشارکت مردم، ارجح بیشتر نهادن بر نظرات آنها، تمام وقت بودن نماینده در انجام وظیفه خود و عدم نگرش به نمایندگی بعنوان «کار جانبی» و برخورد دلسوزانه نسبت به مسایل و مشکلات موکلین خود، در زمره مسئولیت‌های مهم نمایندگان است.

نمایندگان می‌بایست توجه داشته باشند که مردم در چه شرایط سخت و طاقت‌فرسایی به آنها

رای داده‌اند و بنابراین باید تعهد و توجه بیشتری نسبت به انجام وظایف خود داشته باشند. آنان باید نمایندگی را یک مسئولیت سنگین و نوعی تعهد در مقابل خداوند و مردمی که آنها را انتخاب کرده‌اند بدانند و خدای ناکرده از آن به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به برخی مزایا و بهره‌مندیهای مادی استفاده نکنند و این مسئولیت عمومی را در خدمت منافع شخصی قرار ندهند. تحقق این امر از یک سو منوط به تقید به درجات متعالی تقوی و از سوی دیگر در گرو برخوردی مستمر و از سر خدمت‌گذاری نسبت به موکلین می‌باشد.

در پایان ضروری است تذکر دهیم که ملت آگاه و غیور ایران باید «تکلیف» خود را بنحو احسن کامل کنند و با «انتخاب اصلح»، در دور دوم، نمایندگانی هماهنگ با منتخبین دور اول، برگزینند.

مقاومت تا پیروزی

احداث پناهگاه برای همه مردم و در تمام شرایط امری الزامی بوده و نیازمند به برنامه‌ریزی در تمام ابعاد است. اینکه مردم این مفهوم را پیگیری نمایند، خود یکی از مراحل اولیه است. هر چند مردم مسلمان و مقاوم ما با شهامتی که از خود نشان داده‌اند تا آخر ایستاده‌اند اما این به تنهایی

کافی نیست و چنانچه شرارتهای دشمن ادامه پیدا کند، آحاد مردم بلحاظ روحی و روانی نیازمند به اماکن مطمئنی هستند که انجام این گونه شرارتهای خلی در فعالیتهای عادی روزانه آنها ایجاد ننماید. لذا در این شرایط است که دولت بایستی باز هم مردم را به یاری بطلبد و با فراهم نمودن امکانات و در اختیار مردم قرار دادن آنها در بستر یک برنامه جامع، این امکان برای همه مردم ایجاد شود که در هر لحظه که اعلام خطر شد، بتوانند در

محلی امن پناه بگیرند.

باید به این مسئله واقف بود که مشکلات ارزی و غیره هرگز نباید مسئولان امر را در تأمین پناهگاه برای مردم سست نماید، زیرا ضایعات ناشی از موشک‌باران دشمن، مسلماً ارزی بیشتری در پی داشته و دارد. بنابراین چا دارد که مسئولان به موضوع احداث پناهگاه توجه بیشتری مبذول داشته و وسایل مقاومت مردم را تا پیروزی نهایی فراهم آورند.

جنبه‌های جامعه‌شناختی از ترویج

ترویج را جابیندازد و در این رابطه کارهایی هم انجام شد. اما با بررسیهایی که صورت گرفته شاخه هدایتی جزئی ضعیف‌ترین شاخه‌ها بوده است. یک سری اقدامات در رابطه با برگرداندن ترویج به مسیر آموزشی صحیح انجام شده است. مثل اقتصاد طرح افزایش تولید و... ظاهراً مروجین باز از محول شدن کارهای اجرایی به آنها گله‌مند هستند. از جمله فعالیتهای دیگر کسب پرستیژ و شناساندن اهمیت ترویج بود. در این رابطه دانشگاه‌ها نیز فعالیت‌هایی کردند مانند انتخاب سال ترویج کشاورزی (۱۳۶۴) و هفته ترویج و تبلیغاتی که در رابطه با اهمیت ترویج انجام شد. اما به نظر من اهمیت ترویج را باید در بلندمدت و

درصحنه عمل به جامعه و مسئولین شناساند با برگزاری سمینارهای مشترک با دانشکده‌های کشاورزی که در روشن کردن وضعیت ترویج مفید می‌باشند (این سمینارها تا بحال سه بار تشکیل شده است) اما متأسفانه از طرف خود سازمان ترویج در رابطه با تجربیات گذشته به آن صورت که باید تحرک عملی صورت نگرفته است.

نتیجه‌گیری

بطور کلی با توجه به عمق و وسعت موانع و تنگناهای ترویج متعارف در ایران می‌توان ادعا نمود که این قبیل فعالیت‌ها و اقدامات، محدود و سطحی بوده و قادر به حل بنیادی مسایل اساسی ترویج نخواهد بود. چرا که کلیه قزاین و شواهد در رابطه، با عملکرد سه چهاردهه اخیر این نوع

تشکیلات در جهان نشان داد که خانه ترویج متعارف از پای بست ویران است. لذا باید در صدد پی ریزی یک نظام ترویجی کارآمد و منطبق با شرایط و نیازهای فعلی جامعه روستایی خود برآییم.

در ابعاد اساسی، زمینه‌ها و شرایط بسیار مساعدی برای شکل‌گیری یک نظام واقعی ترویج فراهم آمده است ولی متأسفانه باید گفت که ما در حوزه اختصاصی ترویج پیشرفت چشمگیری نداشته‌ایم. اکنون هنگام آن است که با تلاشهای همه جانبه سهم ترویج کشاورزی را در میان تحولات بنیادین اقتصادی-اجتماعی فرهنگی بعد از انقلاب دریابیم و با تعمیم، تفسیر و ترکیب پیامدهای حاصل از آنها، بنیادی نوین بر پا کنیم.